



بینید و بشنوید

شبکه يك	
۶	صبح بخیر ایران
۱۱/۱۰	آفتاب شرقی: این برنامه با هدف تبیین دین اسلام و تطبیق آن با زندگی اجتماعی هر روز بجز جمعه‌ها پخش می‌شود.
۱۷/۳۰	فرمول يك
۱۹/۴۰	پایش
۲۲/۱۰	سریال به رنگ خاک

شبکه دو	
۱۰/۱۵	زنه باد زندگی
۱۸	عصر خانواده
۱۸/۴۵	دوقلوا
۱۹/۴۰	هزار راه نرفته
۲۱	انتهای بلند
۲۱/۳۵	سریال حکایت‌های کمال

شبکه سه	
۷	سلام صبح بخیر
۱۱	طبيب
۲۰/۴۵	سریال فوق لیسانسه‌ها
۲۲/۳۰	عجبویه‌ها

شبکه چهار	
۶/۳۰	چهار سوی علم
۱۶	گزینه ۴
۱۹	سخنرانی
۲۳	شب‌های هنر

شبکه پویا و نهال	
۸/۱۵	حبابی‌ها
۹	هزار و يك داستان
۹/۳۰	شهر قسه
۱۱	خدا چه آفریده؟
۱۲/۴۵	جزیره اسرارآمیز لالا
۱۴/۰۵	گروه نجات رباتیک
۱۸/۳۰	داستان آته شرلی
۲۱	جزیره دانش

شبکه نمایش	
۱۳	خانه‌ای در دور دست
۱۵	نیکولاس نیکلی
۱۷	تیرانداز
۱۹	امید شجاعتی جاودانه
۲۱	استیکرز
۲۳	لیلا

شبکه‌های رادیویی	
ورزش، ورزش و جامعه / تحلیل موضوعات روز ورزش کشور با نگاه فرهنگی، پیگیری نقش جامعه ورزشی کشور در تحقق اسناد فرهنگی / تبیین هنجارها و ناهنجاری‌های حوزه ورزش / تبیین وظایف فرهنگی نهادهای مردمی کشور با استفاده از کارشناسان مسلط و دانشگاهی	۱۲
اقتصاد: راه ابریشم / بررسی ترکمنستان به عنوان هدف صادراتی مناسب برای ایران	۱۲/۳۰
ایران: سیاره آبی / محیط زیست	۱۶/۴۰
جوان: خط آزاد / برنامه‌ای عصرگاهی که رفتارهای اجتماعی را از نگاه طنز واکاوی کرده و خبرهای روز را به چالش می‌کشد. کالاهای لوکس	۱۷
معارف: به رنگ خدا / موضوع: راه خوب و راه بد قرآن: کارگاه ترجمه / تفسیر و ترجمه و لغت و شأن نزول و روایت از جزء ۳۰ قرآن به کارشناسی حجت‌الاسلام محمد شیخ‌الاسلامی، حجت‌الاسلام هادی خسروی، حجت‌الاسلام سید علی‌کشفی، دکتر مهدیه قیصری، مریم فولادی، سمیرا قنبری	۱۷



برنامه «پرونده ویژه» توانسته است با ورود جسورانه به دغدغه‌های اصلی مردم توجه مخاطبان تلویزیون را به خود جلب کند

رمز و رازهای یک «پرونده ویژه»

کارشناسان درباره دغدغه‌های روز جامعه و همچنین انتخاب سوژه‌های مهم و داغ به جذابیت بیش از پیش آن افزوده است. در این برنامه که سید حسین حسینی اجرای آن را برعهده دارد، میزگردهای تخصصی و مهمی برگزار می‌شود که مهمانان کارشناس به صورت حضوری و تلفنی درباره موضوع اصلی برنامه به گفت‌وگو می‌پردازند. از جمله مساله گران شدن بنزین و سهمیه‌بندی آن که به دغدغه مشترک این روزهای همه افراد جامعه تبدیل شده است که در برنامه چهارشنبه هفته گذشته به طور مفصل به آن پرداخته شد. از این رو جام جم با تهیه‌کننده و مجری برنامه گفت‌وگویی داشته که در ادامه می‌خوانید:

ادامه در صفحه ۶

یکی از گونه‌های مهم برنامه‌سازی در تلویزیون برنامه‌های گفت‌وگو محور است که به دلیل نگاه جدی و ویژه‌ای که سازندگان این دست برنامه‌ها دارند، معمولاً مخاطبان خاصی را نیز شامل می‌شود. به خصوص این که در برنامه سوژه‌های روز و دغدغه‌های مهم اقتصادی و سیاسی جامعه نیز مورد بررسی قرار بگیرد. برنامه «پرونده ویژه» به تهیه‌کنندگی سعید ستودگان یکی از برنامه‌های گفت‌وگو محور شبکه سه است که به دلیل پرداختن به موضوعات مهمی که در آن تاکنون مطرح شده، مورد توجه مخاطبان هم قرار گرفته است. ضمن این که گفت‌وگوها و اظهارنظرهای بی‌پرده مجری و



زینب علیچور طهرانی  
رسانه

خشایار اعتمادی در گفت‌وگو با برنامه «گیومه» رادیو نمایش:

بانگاه عاشقی آمدیم، نه نگاه کاسبی

خشایار اعتمادی، خواننده‌ای که پس از سال‌ها فعالیت از دنیای موسیقی خدا حافظی کرد با شهاب شهرزاد، مجری برنامه زنده رادیویی گیومه گفت‌وگویی داشت و از موسیقی پاپ، روزهای دوباره پا گرفتن آن و... گفت و گویا هایی را هم مطرح کرد. اعتمادی خوانندگی را از ۱۱ سالگی آغاز کرد و سال ۷۴ وارد دنیای موسیقی حرفه‌ای شد. او بیش از هر چیز با اجرای قطعه «پارون» با شعر احمد شاملو به شهرت رسید.

زهره زمانی  
رسانه

از حباب بیرون آمدیم

سال ۸۶ بود و تماسی از دفتر موسیقی با من گرفته شد و گفتند موسیقی پاپ را از شکل حباب خارج کنیم و به جشنواره بیاوریم. استاد روشن روان خواستند بروم و صحبت کنم. صفارهرندی، مسؤول وقت بود و نگاهش را به پاپ نمی‌دانستم. دو سال اجرا شد و به عنوان کارشناس حضور داشتم. بخش جانبی که افتاده بود دست کسانی که می‌خواستند بهره‌برداری اقتصادی را بکنند، تعطیل شد.

تیتراژها دست افرادی معدود افتاده است

انسان با موسیقی زاده می‌شود و این طور نیست یکباره در او ایجاد شود. برایم سخت بود که روزی بخواهم از فضای حرفه‌ای موسیقی به صورت اجمالی و سریع خدا حافظی کنم. نزدیک به اوایل سال ۸۰ بود که حسن کردم مضامین و ساختاری حمایت شده و هدایت شده دارد وارد عرصه موسیقی می‌شود و اشعاری دارد به کار می‌رود که از سطح محاوره جامعه پایین‌تر بود. چیزی که برایم جالب بود، وقتی پدیده‌ای در جامعه ما اتفاق می‌افتد که مثبت نیست، با دو قشر مواجه هستیم؛ مخاطبانی که زیادند و سکوت می‌کنند و بخش اندکی که ناآگاه هستند و در این شرایط پررنگ دیده می‌شوند. در موسیقی هم این اتفاق افتاد. یادم می‌آید شعری از نیما یوشیج که به واژه روی زرد رسیدم نمی‌دانستم باید با ساکن بخوانم یا کسره. با مرحوم قیصر امین‌پور و مرحوم بدالهی صحبت کردم و گفتند باید با کسره خواند. شعر سپید را می‌خواندم. عده‌ای سکوت کردند و عده‌ای جیغ و فریاد می‌کشیدند. خواستم بگویم زحمت نکشید، این را هر طور بخوانید، عده‌ای جیغ می‌کشند. تمام بسترهای پخش، حتی متاسفانه در تیتراژهای سازمان، دست افراد معدودی افتاده است. اولویت افراد، اولویت اقتصادی با بهره‌گیری از يك سری کاست شده است. باید ببینید از هنر چه خروجی فرهنگی به جامعه ارائه می‌کند.



آلوده نمی‌شوم

موسیقی فرهیخته با موسیقی بازاری فرق می‌کند. امروز باید این صحبت‌ها را به یاد سپرد. شرافت و فرهنگ آسیب می‌بیند. يك نمونه را بگویم. وقتی کسی موسیقی فرهیخته کار می‌کند، نباید انتظار بازتاب گسترده داشته باشد. تعداد وسیعی از مخاطبان فرهیخته خودشان را نشان می‌دهند؛ اما منتظر واکنش فوری نیستیم. ممکن است واکنش فوری به خشایار اعتمادی هم نشان داده نشده باشد. برخی جوانان ترانه بی‌مغز زیرزمینی را ترویج می‌کنند. تهیه‌کنندگان کاسب و تاجر نشستند و يك سری دختران و پسران بی‌تجربه هم نشستند. ۳۰۰ پیام يك مرتبه برای آهنگی می‌آید و همه کار همین افراد هست. فریب موج رسانه‌ای را نباید خورد. دوستی می‌گفت من ۷۰-۶۰ میلیون برای تك آهنگ خرج می‌کنم و کسانی هم هستند که هزینه می‌کنند برای هیت شدن. خشایار اعتمادی به این ماجراها آلوده نمی‌شود.

موسیقی پاپ و سوءتفاهم

واقعیت این است که ما با دیدگاه محوریت فرهنگ و بنا به اقتضای نیاز روز جامعه پا به عرصه گذاشتیم و با نگاه عاشقی آمدیم، نه نگاه کاسبی. برای گوش شنونده احترام قائل بودیم و بار مسؤولیت سنگینی داشتیم. پیشینه ادبیات فارسی به هزار سال می‌رسید پس باید دقت می‌کردیم. سرود در آن زمان مرسوم بود و نسبت به موسیقی پاپ سوءتفاهم وجود داشت. تمام راهبران کلان موسیقی، پیشکسوتان و گردانندگان اصلی مملکت این سوءتفاهم را در مورد موسیقی داشتند. رفتن کارآسانی بود اما رفع کردن این سوءتفاهم کاری سخت. جدای از آن بسیار کم بودند کسانی که در آن مقطع احساس می‌کردند این رسالت به دوش آنهاست و باید این موسیقی در این مملکت باشد. تعداد اندکی بودند که دنبال اشعار و ساختار خوب موسیقی می‌رفتند و سعی می‌کردند از متخصصان استفاده کنند. خیلی طول کشید. از سال ۷۲ که به صداوسیما مراجعه کردم، نگرانی مسئولان را نسبت به واکنش اجتماعی مخاطبان احساس می‌کردم اما بالاخره مسیر باز شد.

یادداشت:  
احسان پهماسی  
منتقد

روایتی تلخ

از شهری نازیبا

مستند اجتماعی «شهرزیبای من» به تهیه‌کنندگی عطا پناهی و کارگردانی الهام آقآلری هفته گذشته سه بار از شبکه مستند پخش شد. با توجه به این اصل که یکی از اهداف فیلم مستند، بیان مشکلات موجود در جامعه، چه در حوزه قانونگذاری و چه در حوزه اجرای قوانین است و ما در فیلم مستند باید شاهد روایت عینی و آیین‌گونه‌ای از زندگی شخصی و مشکلاتی که سوژه با آنها درگیر است باشیم، شهرزیبای من موفق شده در عین رعایت این اصول، به تشریح گوشه‌ای از زندگی زناشویی این افراد و موانعی که در مسیر کاریابی دارند، بپردازد و ضمن پرھیز از نمایش سکناس‌هایی که بیش از حد بار عاطفی و احساسی دارند، توانسته مشکلاتی که این گروه آسیب‌پذیر، با آن دسته و پنجه نرم می‌کنند را بدون تلاش به قصد کم‌رنگ کردن اشتباهات فردی آنها، به نمایش درآورد. این مستند، حتی در عنوان، بار تناقضی عجیب و تلخی را به دوش می‌شد و در سکناس‌های متعدد؛ ازجمله سکناس تاکسی در زمان مراجعه پدر و حامد (ابوالفضل) به سازمان تأمین اجتماعی، با کمک صدای خارج از قاب رادیو، به استهای حرف‌های گوینده خبر در زندگی و احوالات حامد می‌رسد.

هرچند که الهام آقآلری به واسطه مواجهه با زندگی شخصی يك معلول ذهنی و با توجه به محدودیت‌ها و مشکلات بیان درست روایت و همچنین تبیین خلق و خوی این افراد، در سکناس‌هایی، مجبور به طراحی میزانشن و دکوپاژی شده که شاید در فیلم‌های مستند، کمتر به پرداخت این چنین آنها توصیه شده است. اما توانسته با استفاده از شیوه گزارش‌گیری و مصاحبه، از زبان کارگردان (در سکناس پرسش از حامد در خصوص معلولان ذهنی و جسمی) و نیز از طریق حامد (در سکناس قرار ملاقات با دوستش) به تشریح گوشه‌هایی ناپیدا تر از زندگی این افراد بپردازد.

شهرزیبای من، ضمن تأکیدی که بر زندگی اجتماعی غمگین معلولان دارد و با نمایشی احوالات پریشان او در زمان جمع‌آوری زباله (که با اصرار اخلاقی کارگردان در جهت خاموش کردن دوربین همراه است) قصد دارد سوییله‌ای تاریک و دردناک از زندگی این معلولان را به تصویر بکشد، سعی می‌کند با نمایش خنده‌های همسر در تعریف داستان حامد در دوران سرپازی و ماجرای علاقه او به خرید اسباب‌بازی و همچنین سکناس پرف‌بازی خانواده باک، بیننده را به تماشای بخش‌های زیباتر و شادتری از زندگی آنها بنشانند. مستند شهرزیبای من توانسته علاوه بر نمایش رویکرد تأمل برانگیز زندگی یکی از معلولان ذهنی کشور و همراه کردن بیننده در تیتراژهای سازمان، دست زندگی آنها، تلنگری به نظام قانونگذار و اجرایی کشور درخصوص مشکلات زندگی این شهروندان و یادآوری حقوق حقّه آنها و برخورداری از حداقل شرایط لازم برای زندگی و امرارمعاش این گروه از هموطنان ما باشد. □